برپايي تمدن نوين اسلامي مستلزم وحدت نظري و گفتماني جهان اسلام

برپايي تمدن نوين اسلامي مستلزم

وحدت نظري و گفتماني جهان اسلام

چكيده

براي ادامه مسير انقلاب و رسيدن به اهداف متعالي آن كه ايجاد تمدن نوين اسلامي و زمينه‌سازي ظهور امام عصر (عج) است وحدت جامعه اسلامي و انسجام ملي بايد حفظ شود. حفظ وحدت در زير چتر ولايت فقيه و اطاعت عملي از فرامين ايشان لازمه رسيدن به اهداف متعالي انقلاب است وحدت بايد زمينه‌ساز تحقق تمدن نوين اسلامي باشد ترويج تفرقه در دين صفت مشركان است و پرهيز از تفرقه در اديان مختلف الهي مورد تاكيد قرار گرفته است دين اسلام با تفرقه‌اندازان هيچ سازگاري ندارد و بر اساس آيات قرآن كريم منافقين به دنبال ايجاد اختلاف و تفرقه در اين دين مبين هستند به همين علت وحدت و پيام تقريب به عنوان يک راهبرد در اسلام مطرح است. تشكيل تمدن نوين اسلامي از اهداف اصلي كشور است .در جوامع ديني پيش از اسلام نيز آنچه كه آنها را از بركات انبياء محروم كرد و از سعادتي كه بايد از آن تحت پرچم انبياء بهره‌مند مي‌شدند، اختلاف بود. احياء اسلام و جنبش بازگشت به اسلام كه ما از آن به بيداري اسلامي تعبير مي‌كنيم، تراوشات آن از دو قرن پيش ملاحظه مي‌شود.آنچه تمدن نوين اسلامي را مي‌تواند سامان بخشد و اين ساختار را بر جامعه بشري حاكم كند شرط اصلي آن وحدت است.

انديشه وحدتي كه بزرگان ما پرچم آن را برافراشتند يک نظريه ساده نيست بلكه نظريه جديد تمدن‌سازي اسلامي در عصر كنوني است. از اين رو مسئله وحدت جامعه اسلامي، اساس و بنياد جامعه متمدن و نوين است، وحدت ساختار تمدن نوين اسلامي را تبيين مي‌كند. همه ما معتقد به ظهور حضرت ولي عصر (عج) هستيم كه شرط اصلي آن شكل‌گيري امت واحده اسلامي است و ما به آن به عنوان يک هدف دوردست نگاه نمي‌كنيم بلكه بايد تلاش كنيم و ضرورت تاريخ ما و جوامع اسلامي را به اين نقطه خواهد رساند و

هم‌اكنون نيز علائم چنين اجماع و اتفاقي مشاهده مي‌شود.درنتيجه در اين مقاله به اين اهم مي پردازيم كه وحدت جامعه اسلامي و يكي شدن جامعه اسلامي مهمترين عنصر جامعه امروزي است.

مقدمه

با توجه به اينكه جامعه اسلامي هر روز رو به پيشرفت است و اين طبيعي است كه با هر پيشرفتي در هر جامعه اي دشمنان آن ها نيز بيكار نمي نشينند و با ايجاد تفرقه و از بين بردن وحدت در بين مسلمين تمدن اسلامي را كه از نظر خود غربي ها در سه تمدن اوليه موجود در جهان است را از بين مي برند . از اين رو تمامي كساني كه در تمدن اسلامي صاحب نظر هستند نسبت به اين امر مهم بيانات و ديدگا هايي دارند و با درس گرفتن از اين ديدگاه ها و استفاده از آيات و روايات مختلف در مورد تمدن اسلامي و نقش وحدت مسلمين در تمدن سازي بايد نقشه هاي كثيف غرب و جامعه غربي و دشمنان اين تمدن و اين مرز و بوم را نقش بر آب كرد و از بين برد . لذا بايد تمامي جوانب اين مهم و نكات آن را از منابع مختلف استخراج كرد و مكر حيله گران را به خودشان برگرداند . در شرايط كنوني كه دشمناني همانند آمريكا و رژيم صهيونيستي مقابل نظام اسلامي و آموزه‌هاي ديني در حال تلاش هستند بايد نسبت به فعاليت‌هاي تفرقه‌انداز آنها هوشيار باشيم.

بر اساس فرمايشات رهبر انقلاب اسلامي بايد در شرايط كنوني مشكلات اسلام را شناسايي و براي رفع آنها تلاش‌هاي لازم را دنبال كنيم. بر اساس دستورات خداوند متعال در قرآن كريم حوزه‌هاي مختلف معرفت‌هاي نظري بايد اسلامي شود تا وحدت بر اساس انديشه‌هاي اسلامي شكل گيرد.در شرايط كنوني با دشمنان مختلف و مشكلات داخلي مواجه هستيم اما اگر به تمدن نوين اسلامي برسيم پرچم اسلام جهان را فتح كرده و بسياري از مشكلات رفع مي‌شود. وظيفه هر مسلمان شيعه و سني است كه در برابر دشمن وحدت خود را حفظ كند و عوامل تفرقه را از بين ببرد و از اختلاف با ديگر مسلمانان در ديگر كشور ها و با هر فرقه اي و مذهبي پرهيز كند . هدف دشمن از بين بردن يک ميليارد مسلمان در سراسر جهان از طريق خود مسلمانان است كه بايد مواظب اين مكر ها بود و با تمدن سازي نوين اسلامي دست رد بر سينه آنها زد .بلاشک وحدت در برابر دشمن در بين فرق اسلامي از جمله شيعه و سني باعث تمدن سازي شده و مشت محكي بر دهان دشمنان اسلام ، تشيع و تسنن است .در هر صورت، تحركات علمي و عملي براي اين ضرورتِ فراموش شده، نسبت به حجم توطئه هاي رو در رو، ناچيز است لذا نيازي فوري است كه مراكز علمي كشور مانند دانشگاهها و حوزه هاي علميه، به صورت تخصصي روي اين موضوع تحقيق كرده و نتايج كارشان را در

اختيار نهادهاي دولتي و غير دولتي و نخبگان جامعه قرار دهند تا اولاً بتوان در كشور فرهنگ همزيستي و ارتباط مسالمت آميز ميان مذاهب اسلامي به خصوص شيعه و اهل سنت را ايجاد كرد ثانياً زمينه اي براي ارتباط هر چه بيشتر با نخبگان ساير كشورهاي اسلامي، فراهم كرد.مقاله ي حاضر بيش از اينكه به چگونگي ايجاد چنين فرهنگي در جامعه بپردازد، به ضرورت و چرايي وحدت از زبان بزرگان و انديشمندان و صاحب نظران اين حوزه از جمله مقام معظم رهبري (دامت بركاته) اشاره مي كند.

تاكيد مقام معظم رهبري بر وحدت اسلامي

در ابتدا بايد معلوم كنيم كه مقصود ما از وحدت مسلمانان چيست؟ آيا مقصود اين است كه مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب ديگري اعتقاد پيدا كنند و عمل نمايند؟ نه، مقصود اين نيست. ما وقتي به وحدت دعوت مي كنيم، مقصود ما اين نيست كه فِرَق مسلمين اعم از شيعه و سني يا فِرَقي كه داخل تشيع و تسنن هستند، موظف و مجبورند كه از عقيده ي خود دست بردارند و به عقيده ي سومي يا به عقيده ي طرف مقابل، گرايش پيدا كنند. اين، چيزي است كه به تحقيق و تفحص و مطالعه ي هر كسي وابسته است و بينه و بين اللّه تكليف اوست. بحث ما اين نيست. بحث ما اين است كه مي خواهيم به همه ي مسلمانان از شيعه و سني بگوييم و تذكر بدهيم كه شما يک نقاط مشترک و يک نقاط اختلاف و افتراق داريد. در بعضي چيزها، با هم شريكيد و يک طور فكر و عمل مي كنيد و در بعضي چيزها، هر فرقه روش خود را دارد. نكته اين است كه اولاً، آن نقاط اشتراک بيشتر از نقاط افتراق است. يعني همه ي مسلمين، به خداي واحد و قبله ي واحد و پيامبر واحد و احكام و نماز و روزه و زكات و حج اعتقاد دارند. قديميترين تمدنها و عميقترين فرهنگها، در همين منطقه يي بوده كه مسلمانان در آن زندگي مي كنند. آن وقتي كه ديگر مردم در وحشيگري بودند، همين مردم مسلمان بودند كه دنيا را با علم و معرفتشان اداره مي كردند. مسلمانان، جمعيتي متشكل و منسجم هستند، كشورهايشان نزديک به هم است، ملتها از لحاظ فرهنگ به هم متقاربند و در تمام نقاط دنيا كساني را از خود دارند كه همه ي آنها مسلمانند . مسلمانان بيايند با هم متحد بشوند.

محور هم كتاب خدا و سنت نبي اكرم (صلّي اللّه عليه واله وسلّم) و شريعت اسلامي باشد. اين حرف، حرف بدي نيست. اين حرف، حرفي است كه هر عاقل بي غرض و منصفي، آن را قبول خواهد كرد. امروز، پولهاي نفت براي نوشتن كتاب ضد شيعه مصرف مي شود. دلارهاي امريكايي براي رد تشيع به كار مي رود و به زبان عربي و اردو كتاب نوشته و ترجمه مي شود. اينها، دستهاي شيطانند. اينها، انسانهاي سالمي

نيستند كه اين چيزها را مي نويسند. هر جا باشند، همين طورند. يكي از پيامهاي عمده ي انقلاب ما، وحدت مسلمين است. ما در همه جاي دنياي اسلام، اين حرف را مي زنيم و به كساني كه در كشورهاي مختلف، همه ي همتشان را براي مقابله با انقلاب اسلامي و وارد آوردن تهمت و بستن دروغ به آن يا به رهبر فقيد عظيم الشّأن انقلاب يا نقد آراي ملت مسلماني كه در اين جا با همه ي وجودشان، در راه خدا و اسلام مخلصانه مبارزه مي كنند، گذاشتند؛ نصيحت مي كنيم. ما به همه مي گوييم كه احترام يكديگر را حفظ بكنند و به عقايد و مقدسات هم اهانت نكنند. اگر كسي به بهانه ي عقيده يي بخواهد به مقدسات ديگران اهانت بكند، از نظر ما به هيچ وجه قابل دفاع نيست. محبت، طرفيني است. بايستي همه با هم كمك كنند تا محبت به وجود آيد و دشمن نتواند سوء استفاده بكند؛ دشمني كه نه با شيعه رابطه ي خوبي دارد و نه با سني، بلكه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن كينه مي ورزد. همان اسلامي كه سني يا شيعه دارد، مبغوض امريكا و مرتجعان است. اختلافات داخلي را براي آن زماني بگذاريم كه از طرف هيچ دشمن جهاني تهديد نشويم. اگر چنين روزي پيش آمد، آن وقت مقابل هم بنشينند و سنگهايشان را با هم حك كنند. امروز، وقتِ اين حرفها نيست امروز، اين كشورهاي مرتجع منطقه، بدطوري به شعارهاي تفرقه افكن و اختلاف انگيز چسبيده اند. اگر ملت ما در مراسم حج، عليه امريكا و اسرائيل شعار بدهد، آنها اعتراض مي كنند و مي گويند چرا شما در بين مسلمين حرف جديدي آورده ايد؟! اين را تفرقه تلقي مي كنند؛ در حالي كه ايجاد تفرقه نيست، بلكه انجام وظيفه است. مسلمانان ديگر هم بايد شعار دادن عليه امريكا و اسرائيل را از ملت ايران ياد بگيرند. پولها، قلمها، امكانات، بلندگوها و عناصر مزدورِ پست كشورهاي مرتجع، مرتب عليه انقلاب و ايران اسلامي و ملت فداكار عمل مي كنند. اين، تفرقه و ايجاد شكاف و اختلاف است. لعنت خدا بر آن دستهايي كه به اين ترتيب بين مسلمين ايجاد شكاف و اختلاف مي كنند. وحدت را مهم بشماريد و هفته ي وحدت را يك هفته ي حقيقتاً پر محتوا و پر مغز قرار بدهيد. در امور ديگر هم، ما اين مسأله ي وحدت را مورد تأييد و به عنوان يك اصل اسلامي و انقلابي، مورد تأكيد قرار مي دهيم. وقتي مي گوييم بين برادران شيعه و سني و مذاهب مختلف اسلامي، براي هدفهاي اسلامي اتحاد باشد، پس به طريق اولي، قشرهاي مختلف مردم فداكار و مبارز ايران، اهل هر شهر و استاني، متكلمان با هر زبان و لهجه يي هستند، موظفند وحدت را حفظ كنند. نيروهاي مسلح، اگر چه براي استحكام خود، به اسلحه وتجهيزات و آموزش ونيروي انساني و امثال اينها احتياج دارند، اما آن چيزي كه ارتش اسلامي را از همه ي ارتشهاي ديگر متمايز مي كند، عبارت است از ايمان به خدا و تعبد در مقابل فرمان الهي و احساس اين كه جنگشان جهاد في سبيل اللّه َ است. اين، آن عامل اصلي است كه اگر آن را جدا كنيم، لشكر اسلامي هم مثل بقيه ي ملتها و لشكرهاي كشورهاي ديگر، چيزي در عداد آنها خواهد شد. يعني اگر اسلحه و تجهيزات و نفرات ونيرو و استعداد بالا داشت، ممكن است بتواند مقاومت كند؛ و اّلا اگر تعداد طرف مقابل، يك خرده بيشتر و يا تجهيزاتشان پيشرفته تر بود، مجالي براي تحرك اينها نخواهد داد. عامل ايمان در اختيار ماست؛ بايد آن را به نيروي رزمنده تزريق كرد. هر جا كه

ما پيش رفتيم، با اين نيرو پيش رفتيم و هر جا كه شكست خورديم، اين نيرو در ما ضعيف شده بود. اگر برويد عمليات را تحليل كنيد، به همين نقطه خواهيد رسيد. آن جايي كه دلها به شعله ي ايمان مشتعل بوده است، ما از همه ي سدها و مانعها گذشتيم و جلو رفتيم و آن جايي كه گرايش به مادّيات و ظواهر و بي رغبتي به صواب الهي و بي توجهي به تكليف شرعي، نيتهاي ما را مختصري مشوب و مخدوش كرده است، همان جا ضربه خورديم و شكست را پذيرفتيم. يكي از دستورات قرآن اين است كه آحاد امت اسلامي با يكديگر متحد باشند؛ دست در دست يكديگر بگذارند: «و اعتصموا بحبل اللّه جميعا و لا تفرّقوا».اين خطاب به كيست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ايران است، خطاب به ملتهاي مسلمان كشورهاي اسلامي است، خطاب به همه ي مؤمنين به اسلام در سراسر دنيا است. ما به اين عمل ميكنيم؟

نقطه ي مقابل اين آموزش قرآني، آموزش استعماري است: اختلاف ميان مسلمانان. يک عده، يک عده ي ديگر را تكفير كنند، لعن كنند، خود را از آنها بري بدانند. اين چيزي است كه امروز استعمار ميخواهد؛ براي اينكه ما با هم نباشيم. متأسفانه بعضي از دولتهاي اسلامي و حكومتهاي اسلامي فريب ميخورند؛ آنها هم داخل بازي دشمن ميشوند؛ فريب دشمن را ميخورند، براي امروز اتحاد و اتفاق بين مسلمانان، يک فريضه ي فوري است. ببينيد از جنگ و اختلاف چه مفاسدي به وجود مي آيد؛ ببينيد در دنياي اسلام، تروريسم كور به بهانه ي اختلافات مذهبي، چه فجايعي به راه مي اندازد؛ ببينيد با اين اختلافاتي كه بين ما مسلمانان به وجود آوردند، رژيم صهيونيستي غاصب چه نفس راحتي ميكشد. هر وقتي كشورهاي اسلامي و ملتهاي اسلامي بخواهند به هم نزديک شوند، يک توطئه اي درست ميكنند، يک حادثه اي به وجود مي آورند. اينها بايد چشم ما را باز كند، اينها بايد ملتهاي مسلمان را بيدار كند، اينها بايد چهره ي رؤسا و حاكمان بااخلاص را از حاكمان دست نشانده ي دشمنان ممتاز كند. اينجا صحنه ي امتحان است. امروز هر جنجره اي كه به وحدت دنياي اسلام دعوت كند، جنجره ي الهي است، ناطق من اللّه است .هزاران خطبه و بيانات ديگري از مقام معظم رهبري موجود است كه بر وحدت اسلامي تاكيد بسيار دارند و اين مهم را امري ضروري مي دانند.

a) رهبري ديدگاه : ضرورت تحقق تمدن نوين اسلامي

رهبر معظم انقلاب اسلامي ، شكلگيري "تمدن نوين اسلامي" براي بشريت را ، با توجه به ظرفيتهاي عظيم جهان اسلام ، ضروري دانستند. ايشان تاكيد كرده اند اكنون نوبت جهان اسلام است كه با استفاده از دانش ، خردمندي و تدبير و بصيرت ، در مسير برپايي "تمدن نوين اسلامي" حركت كند. تمدن نوين اسلامي به معناي تجاوز به سرزمينها، پايمال كردن حقوق انسانها و تحميل كردن اخلاق و فرهنگ خود به ملتها ، نظير آن نيست كه تمدن غربي انجام داده است . تمدن اسلامي به معناي هديه كردن فضيلت الهي

به بشريت و ايجاد زمينه براي تشخيص مسير صحيح توسط خود انسانها است. تمدن غرب اگرچه جلوههاي زيبايي از فناوري ، سرعت ، سهولت و ابزار مختلف زندگي ارائه كرد اما براي بشريت ، خوشبختي و عدالت به ارمغان نياورد و در درون خود نيز دچار تضاد شده است. ماديگرايي صرف ، احساس پوچي ، خودبرتربيني و نگاه نسبي گرا به همه امور حتي معنوي ، اوج انحطاط در تمدن غربي است. تمدن غرب عليرغم ظاهر فريبنده ، از لحاظ اخلاقي فاسد و از نظر معنوي پوک شده است. علاوه بر اين ، تمدن غرب با راهاندازي جنگ به بهانه توسعه و آباداني كشور هدف ، چيزي جز خرابي و ناامني به بار نياورده است . آمريكا با لشگركشي هزاران كيلومتري فقط به دنبال منافع خود بوده است. وضعيت كنوني عراق و افغانستان ، مصداق تضاد عيني در تمدن غرب است . آمريكا با لشگركشي به اين دو كشور نيز ، فقط درصدد تحقق منافع يكجانبه است . مباني اخلاقي و ديني اسلام اما ذاتا با تمدن غرب در تضاد است . دين مبين اسلام رحماني ، برابري ، پيشرفت ، توسعه علمي ، اقتصادي و سياسي را براي همگان ميخواهد و حس برتري جويي و سلطهگري ندارد . كشورها و امت اسلامي ، علاوه بر ويژگي هاي مشترک عقيدتي از جمله خداوند يكتا ، كتاب آسماني قرآن كريم و دشمن مشترک ، از منابع گسترده و قدرتمندي برخوردارند كه با وحدت و تلاش مجاهدانه ، ميتوانند قدرت و هويت خود را احيا كنند. سرزمينهاي حاصلخيز ، موقعيت جغرافيايي راهبردي ، منابع طبيعي غني و تاثيرگذار در بازارهاي جهاني و از همه مهمتر ، نيروي انساني كارآمد در كنار جمعيت بيش از يک ميليارد و پانصد ميليوني ، از جهان اسلام ، قدرتي بالقوه ساخته است. به تعبير رهبر معظم انقلاب اسلامي ، اين ظرفيتهاي گسترده ، اگر با تعاليم واقعي اسلام درهم آميزد ، امت اسلامي ميتواند آفرينشهاي بديعي را در عرصههاي علم ، سياست ، فناوري و اجتماعي ، در قالب "تمدن نوين اسلامي" ، به ظهور برساند.

ضرورت وحدت

حركت در جهت وحدت و اتحاد ميان فرقه ها و مذاهب گوناگون اسلام كه مسيري سخت ظريف و حساس است، هم نيازمند انگيزه است و هم زمينه. تا زماني كه احساسات و عواطف، به اقدامات عملي منجر نشود، وحدت و اتحادي حاصل نخواهد شد. وحدتي كه از آن صحبت مي كنيم، وحدتي تاكتيكي و موضعي نيست بلكه چيزي است كه جهان رابطه و ارتباطات، ضرورت آن را براي همه به اثبات رسانده و به نوعي مي توان گفت گريزي هم از آن نيست. اسلام به عنوان دين وحدت بخش و دين رحمت و عطوفت، پرچم دار تكيه به جمعيت و بهره مندي از قدرت اجتماع و همدلي و همكاري است كه متاسفانه اصول اساسي آن، در برخي موارد، با غفلت خودي، مورد سوء استفاده ي دشمن واقع شده اند. آيات و سخنان خداوند در قرآن كريم، برجسته ترين كلمات الهي در باب وحدت است كه ما را به اتحاد در ظل قرآن، اهداف قرآني و عدم تفرقه فرا مي خواند. يكي از مهمترين امور در شكل گيري وحدت، دست يابي به نقطه ي اشتراكي است كه همه ي مذاهب بر

آن اتفاق داشته باشند. نقطه ي مشترک ميان تمام مذاهب اسلامي قرآن است. شيخ شلتوت در اين باره مي فرمايد: «اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوري را که مسلمانان بايد به آن تمسک جويند و گرداگرد آن جمع آيند، اعتصام به حبل ا قرار داده است. اين مطلب در بسياري از آيات قرآن حکيم آمده، و رساترين آن در سوره ي آل عمران است «وَ اعتَصِمُوا بِحَبلِ اِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقُوا». خداوند از مطلق تفرقه نهي کرده است. اين شامل تفرقه به سبب تعصب نيز مي شود. حديثي صحيح مي گويد: (لا عَصَبية فِي الاِسلام) در دين اسلام، تعصب وجود ندارد.»

علامه اميني هم در کتاب شريف "الغدير" مي نويسد: «وقت آن رسيده است که دنياي اسلامي به عقل و درايت بازگردد و با ارائه ي شاهراه فکر اسلامي، جهان امروز را از اين خلاء فکري و ماده گرايي، به زلال معارف بلند اسلام فراخواند و به جاي اختلافات داخلي، جبهه واحدي از همبستگي فکر اسلامي در مقابل گرايشهاي غير اسلامي تشکيل دهد. براي اولين گام در راه تحقق اين هدف بايد از همبستگي هاي موجود استفاده کرد و در شعاع آن به پيشروي ادامه داد تا در موارد اختلاف نظر، به توافق رسيد. مسلم است هيچ کدام از منابع فکر اسامي، براي مسلمان اصيل تر از کتاب قرآن و سنت (گفتار، کردار و تصويب پيامبر(ص نيست. و هيچ چيز بهتر از اين دو هم نمي تواند مسلمين را فکراً و عملاً با هم متحد و برادر سازد. در پيمودن اين راه در درجه ي اول تسليم به کتاب الهي و سنت مسلم پيامبرش سرمايه اي مؤثر و کافي است و آنگاه هر تکيه گاه ديگر و يا هر مبناي ديگري را با ديد حزم و احتياط و حتي با تهديد و انکار بايد نگريست. و تا هنگامي که از نظر کتاب و سنت، قطعيت آن مسلّم نشود، تسليم آن نبايد شد، زيرا يکي از مهم ترين علل پديد آمدن شکاف بين مسلمين و تيرگي در روابط آنان، تمسک برخي از فرق و جمود پاره اي از طوايف به اصول و زيربناهايي است که از نظر کتاب وسنت، هيچ گونه ارزش منطقي ندارد.»

در خصوص تقريب، قبل از هر چيز بايد نگاه سياسي خود را از اين موضوع پاک کرده و به اصول و مبناهاي قرآني براي وحدت و امت اسلامي توجه کرد و اين نکته را مد نظر داشت که خداوند براي همه مسلمانان، تلاش در راه وحدت امت اسلام را به عنوان يک تکليف، در نظر داشته است. به عبارت ديگر از ديدگاه قرآن، اصل وحدت و دوري از تشتت و چند دستگي نه به عنوان يک هدف مقطعي و نه به عنوان يک ضرورتي که شرايط حاکم بر جامعه، آن را لازم کرده باشد بلکه يک اصل مسلّم اعتقادي و اسلامي است.

بنابراين تاکيد قرآن بر اين اصل، جاي هيچ ترديدي را باقي نخواهد گذاشت که همه ي مسلمانان بايد تحت لواي امت واحده، به جانب صحيحي حرکت کنند و از هرگونه عملي که اين حرکت را کُند و به سوي تفرقه و اشتقاق سوق مي دهد بپرهيزند.

به گونه اي كه معتقد است عامل اصلي پيروزي، غلبه بر فيزيک رقيب نيست بلكه غلبه بر استراتژي و ايدئولوژي طرف مقابل است) و از سوي ديگر همه مسلمانان داراي يک قبله و يک كتاب هستند، همه به نبوت پيامبر اكرم (صلي ا عليه و آله) ايمان و اعتقاد دارند، به يک شكل روزه مي گيرند، مانند هم حج مي كنند، مانند هم ازدواج مي كنند و مهمتر اين كه اهداف مشتركي دارند و گذشته از احساس تعلق به ملت خود، به دنبال پياده شدن اهداف اسلامي هستند، نياز بيشتري به وحدت و انسجام دارند. و اتفاقا همين اسلام گرايي است كه آنها را از ساير كشورهايي كه مبتني بر ناسيوناليسم ايجاد شده و انسجام يافته اند، متفاوت مي كند.در انديشه ي امام خميني(رحمة ا عليه) هر نوع هويت از قبيل هويت هاي فرقه اي، قومي، ملي و... كه نافي هويت مكتبي-امتي باشد، مطرود است: «جنگ ما جنگ عقيده است و جغرافيا و مرز نمي شناسد. ما بايد در جنگ اعتقادي مان بسيج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه بياندازيم» پس تمام اينها ايجاب مي كند به مخالفت و جدال كردن با اجتماع و پراكنده كردن وحدت كلمه و حال آنكه قرار داده شده در جلوي چشم همه، تعليمات و آموزش هاي پيامبر پاک، و بزرگداشت او شخصيت هاي شهرها و اماكن را به سبب فضائل از عناصر مختلفه مانند قول آن حضرت: « سَلمانُ مِنّا اَهلُ البَيت» ... پس بر مسلمان است كه اين آراء نادره و كمياب را خط مشق و روش خود گيرد و غفلت و صرف نظر نكند از گفته ي پيامبر امين كه «از ما نيست كسي كه دعوت به عصبيت كند و از ما نيست كسي كه براي عصبيت و قوميت مقاتله و جنگ نمايد» و «نيست از ما كسي كه بر عصبيت و تعصب قوميت بميرد»

بنابراين با وجود ضرورت هاي قرآني، سيره و روايات معصومين و همچنين دلايل عقلي، هيچ گونه شكي در حفظ وحدت نمي توان وارد كرد ولي سوال اينجاست كه مرزهاي وحدت چه هستند و حوزه و قلمروي آن تا كجاست؟ آيا منظور اتفاق نظر در تمامي مسائل علمي و اعتقادي است؟

بايد اشاره كرد كه به هيچ وجه نبايد چنين تصور شود كه براي حصول به وحدت، همه بايد به يک رنگ در آيند و لازم باشد بسياري از عقايد كنار گذاشته شوند چرا كه چنين چيزي در شرايط حاضر، هرگز قابليت عمل پيدا نمي كند، بلكه غرض از وحدت، مدارا با عقايد گوناگون است كه در اين زمينه، رواياتي از معصومين(عليهم السلام) وجود دارد. امام صادق (عليه السلام) در جواب مردي كه گفت: ما از گروهي بيزاري مي جوييم زيرا آنها به آنچه ما عقيده داريم، عقيده ندارند، فرمودند: ما هم عقايدي داريم كه شما نداريد، پس سزاوار است كه ما هم از شما بيزاري بجوييم؟... نزد خدا هم حقايقي هست كه نزد ما نيست، گمان داري خدا ما را دور مي اندازد؟... آنها را دوست بداريد و از آنها بيزاري مجوييد .پس منظور از وحدت، احترام به عقايد يكديگر و به رسميت شناختن آنها است و هيچ منافاتي هم با برگزاري مناظرات و بيان آنها ندارد (چه بسا مناظرات و بحث هايي كه نتيجه ي خاصي هم نداشته و دو طرف نتوانند همديگر را قانع كنند). لذا از چيزي كه بايد پرهيز كرد، لعن و تكفير است كه به خودي

خود مذموم بوده و منجر به تحريک احساسات و عکس العمل طرف مقابل مي شود. جمله ي معروفي از آيت ا بروجردي که مي فرمايند: «فقه شيعه، در حاشيه ي فقه اهل سنت است» نمايانگر اين است که با آگاهي از محتواي روايات و فتاواي اهل سنت در زمان امامان معصوم (عليهم السلام)، بهتر، راحتتر و دقيق تر مي توان فرمايشات ائمه ي معصومين (عليهم السلام) را دريافت و همچنين اشاره به اين موضوع دارد که فتاواي صحيح شيعه، مطرود کلي اهل سنت نيست.لذا ضرورت حفظ وحدت مسلمين در عين احترام به اختلاف نظرات، مانند اين است که دو برادر در يک خانه زندگي مي کنند و در برخي اعتقادات، اختلافاتي با هم دارند. ولي اين باعث نمي شود که اگر دزدي به خانه ي آنها زد، به خاطر اختلاف نظري که با هم دارند، با يکديگر همکاري نکنند و هم دست نشوند تا دارايي هايشان را از دست بدهند. آيت ا بروجردي معتقدند: «نهي از تفرقه، تفرقه ي مذهبي را نيز در بر مي گيرد؛ زيرا به رغم آنکه مذاهب فقهي اسلامي بسيار بوده و شيوه هاي آن مختلف است، از اصول واحدي که کتاب ا و سنت پيامبر است، بر گرفته شده است. ولي به رغم تعدد مذاهب و اختلاف در بسياري از احکام و وجود آراي متعدد، همگان در نقطه ي مشترک و سخني واحد، گرد مي آيند؛ اين همان ايمان به مصادر اصلي و تقديس کتاب ا و سنت رسول الله(صلي ا عليه و آله) است.» مراد ما از وحدت يک امر ساده و روشن است و آن عبارت است از همکاري فرق مسلمين با همديگر و عدم معارضه و مضاده آنها با هم. مقصود ما از اتحاد بين مسلمين اين است که يکديگر را نفي نکنند، دشمن را بر يکديگر مسلط نکنند و بعضي بر بعضي، به ستم غلبه نکنند بدون شک هر نظام و واحد سياسي يا عقيدتي در دنيا، براي عمل در پهنه ي جهان، بايد الگوهايي را مدنظر قرار داده و مبتني بر تضادها و تنش هايي که در مسيرش قرار مي گيرد، نوع مواجهه و البته مقابله با آنها را ترسيم کند و قبل از اين کار، شناخت دقيق و همراه با بصيرتِ دوست و دشمن از يک طرف و نوع مواجهه و منازعه دشمن و سلاح هاي به کار گرفته ي آن از طرف ديگر، بايد مد نظر قرار گيرد. از جمله ابزارها و سلاح هاي دشمن، باقي نگه داشتن اختلافات و جلوگيري از حل دائمي آنهاست. مسئله شيعه و سني موضوعي است که علاوه بر اينکه دست آويزي براي غرب جهت مقابله با انقلاب اسلامي مطرح شد، عاملي است براي اينکه بتواند مانع قدرت يافتن مسلمانان و احياناً ايجاد خطر براي خودش شود.

امام خميني(رحمة ا عليه) مي فرمايند: « ... غرب و شرق تا شما را از هويت اسلامي تان – به خيال خام خودشان- بيرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شويد و از قطع ارتباط با آنان رنجور، هميشه با بصيرت و با چشماني باز به دشمنان خيره شويد و آنان را آرام نگذاريد که اگر آرام گذاريد، لحظه اي آرامتان نمي گذارند»

شيوه ي پيشنهادي آيت ا بروجردي پيرامون وحدت بين مذاهب اين بود که ميان شيعه و سني در دو نکته ي اساسي، اختلاف نهفته است. يکي جانشيني پيامبر و امامت و رهبري مسلمانان است و ديگر اينکه بعد از

رحلت پيامبر (صلي ا عليه و آله)، مسلمانان در عمل به احكام به چه كسي رجوع نمايند و تكليف روزمره ي خود را از كدام مرجع بگيرند؟ اولاً، بحث درباره ي موضوع اول، يک بحث تاريخي است. هر چه بوده گذشته است و لزومي ندارد دوباره مطرح شود. تجربه هم نشان داده كه طرح اينگونه مسائل هميشه سبب اختلاف شديد و منشا سوء استفاده هاي دشمنان بوده است. ثانياً اگر هم نتيجه اي علمي و عقيدتي دارد، اين ثمره براي هر كدام از شيعه و سني، في نفسه محترم است و ربطي به طرف مقابل ندارد.

بنابراين، اتحاد، همكاري و حمايت شيعيان و اهل سنت از يكديگر، امريست بسيار حساس كه نيازمند شرايط و زمينه هايي است. يعني براي اينكه اتحاد، همكاري و همراهي، حالت عادي به خود گرفته و افتراق و بدبيني، جاي خود را به مصالحه و همدلي بدهد، بايد از برخي اقدامات پرهيز و بعضي كارها را انجام داد.

مفهوم تمدن سازي نوين اسلامي

مفهوم تمدن سازي نوين اسلامي عبارت است از: پيشرفت همه جانبه مظاهر مادي و معنوي مسلمانان در دو بخش ابزاري و سخت افزاري،از قبيل علم، اختراع، اقتصاد، سياست، اعتبار بين المللي و بخش نرم افزاري تمدن اسلامي، به عنوان حاكميت «سبک زندگي اسلامي» در همه مظاهر زندگي؛ بر اساس عقلانيت ديني معرفتي، عقلانيت اخلاقي حقوقي و عقلانيت ابزاري جهت شكوفا كردن ماديات و دنياي مسلمانان در جهت پيشرفت دنيوي و سعادت اخروي.

هدف نهايي نظام اسلامي، ايجاد امت واحد اسلامي و تمدن اسلامي جديد ... است. (بيانات مورخ ۲۶/۶/۱۳۹۰)
شكل گيري تمدن نوين اسلامي بايد با توجه به «مباني مشترک تمامي مذاهب اسلامي» و نه ايران شيعي باشد.
تربيت عقلاني، اخلاقي و قانوني را هدف بعثت نبي مكرم اسلام است كه زندگي آسوده و رو به كمال انسان تمدن نوين اسلامي و تشكيل امت واحده اسلامي به آن ها نيازمند است. (بيانات مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۸)
جدايي ديانت از سياست از مظاهر شرک است كه تا مسلمانان به تمام ابعاد اسلام كه سياست هم يک بعد مهم آن است، ايمان نياوردند، وارد اسلام واقعي نشدند.تمدن نوين اسلامي داراي دو بخش است:
الف) بخش ابزاري يا سخت افزاري كه شامل نمودهاي پيشرفت مي شود؛ از قبيل: علم, اختراع، اقتصاد، سياست، اعتبار بين المللي و نظاير آن.

ب) بخش نرم افزاري حقيقي و اساسي تمدن اسلامي كه شامل حاكميت «سبک زندگي اسلامي» در تمام مظاهر زندگي و حيات مسلمانان است. تحقق هر دو بخش در تمدن نوين اسلامي ضروري است . (بيانات مقام رهبري در جمع دانشجويان، دانش آموزان و ساير جوانان خراسان شمالي، مورخ 23/7/1391)

رهبر انقلاب اسلامي تأكيد بر اينكه بدون پيشرفت بخش حقيقي تمدن سازي نوين اسلامي يعني «سبک و فرهنگ زندگي»، اهداف اين تمدن بزرگ محقق نخواهد شد؛ افزودند: متأسفانه ما در اين بخش، پيشرفت چشمگيري نداشته و مثل بخش اول يعني علم و صنعت و نظائر آن پيشرفت نكرده ايم.رهبر انقلاب اسلامي، آسيب شناسي و علت يابي در زمينه عدم پيشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگي را ضروري خواندند و با دعوت از انديشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سياسي و فكري، دستگاههاي مرتبط با فرهنگ و تعليم و نيز جوانان خاطرنشان كردند: در اين زمينه بايد همه به خود نهيب بزنيم و ضمن تلاش جدي براي آسيب شناسي، به جستجو راههاي علاج بپردازيم.گفتماني در زمينه آسيب شناسي و چاره جويي مشكلات موجود در سبک و فرهنگ زندگي بوجود آيد، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً درخشندگي ملت ايران در اين زمينه نيز، چشم جهانيان را متوجه خود خواهد كرد.

عقلانيت يعني نيروي خرد انسان را استخراج كردن و آن را بر تفكرات و اعمال انسان حاكم قرار دادن. براي تشكيل مدينه فاضله و امت واحده اسلامي و تمدن بزرگ اسلام، بايد عقل را معيار و ملاک قرار بدهيم. اولين كار در اين راستا آن است كه تقويت نيروي عقل و خرد در جامعه انجام بگيرد. عقلانيت به معناي محافظه كاري، مسامحه و تساهل نيست. يكي از مشكلات بزرگ مسلمانان، به كار نبستن عقل و خرد خدادادي است كه سبب خسارت هاي مادي و معنوي و دنيوي و اخروي شده و تشكيل امت بزرگ واحد اسلامي را با اخلال مواجه كرده است) . بيانات ،29/4/1388)

علم محوري ، مجاهده علمي و شكستن مرزهاي علم، چراغ راه تمدن اسلامي است:

فرداي بدون علم تاريک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامي، مجاهده علمي است. علم سلطه آور است و جامعه ، صاحب علم را قدرتمند مي سازد. بايد علم را فراگرفت و بلكه بايسته است توليد كننده و صادر كننده آن شد و به مصرف آن نبايد بسنده و دل خوش كرد. روش شناسي توليد علم از نظر ايشان، اجتهاد به معناي مصطلح يعني استنباط از منابع ديني و رجوع به عقلي است كه پشتوانه آن وحي است؛ در اين صورت است كه توليد علم مي تواند در مسير رشد و اعتلاي تمدن اسلامي باشد. در اين ميان، دشمن از هيچ تلاشي براي عدم تحقق اين اصل فرو گذار نمي كند و لذا بايد ترفندهاي دشمن را شناخت. نكته بسيار مهم در ديدگاه ايشان در باب علم، شكستن مرزهاي دانش به وسيله مسلمانان است. تأكيد ايشان بر اين است كه تحجر و جزم گرايي در باب يافته هاي علمي گذشتگان يا متفكران غربي، آفت اصلي تحقق رشد علمي است و آزاد انديشي راه برون رفت از اين آفت است. (بيانات: ۰۹/ ۱۲/ ۱۳۷۹)

اخلاق:اسلام خردورزي، اخلاق و حقوق را مايه اصلي فرهنگ صحيح مي داند و ما نيز بايد به طور جدي به اين مقولات بپردازيم وگرنه پيشرفت اسلام و تمدن نوين اسلامي شكل نخواهد گرفت. (بيانات ايشان در جمع دانشجويان، دانش آموزان و ساير جوانان خراسان شمالي، مورخ ۲۳/۷/۱۳۹۱) اخلاق آن هواي لطيفي است كه در جامعه ي بشري اگر وجود داشت، انسانها مي توانند با تنفس او زندگي سالمي داشته باشند (بيانات: ۲۹/ ۰۴/ ۱۳۸۸

تلاش و ايمان به هدف : ايشان، تحقق هدف اصلي تعيين شده در هر «مكتب و نظريه سياسي، اجتماعي، اقتصادي» را نيازمند اعتقاد و ايمان به آن هدف دانستند و افزودند: بدون اعتقاد جدي و تلاش هيچ هدفي محقق نمي شود.

البته برخي كشورها، بدون ايمان به مكتبي خاص، مقلد تمدن غربند. اين ها ممكن است به پيشرفتهاي صوري نيز برسند، اما زيانهاي بي انتهاي ذلت تقليد، آنها را دچار آسيبهاي جدي مي كند و ريشه آنها را از بين مي برد؛ بنابر اين اگر طوفاني بپا شود توانايي استقامت ندارند.

معظم له بر اين نكته تأكيد دارند كه: انقلاب اسلامي داراي توانايي، ظرفيت و انرژي متراكمي است كه مي تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالي، برجسته و باشكوه» اسلامي را در مقابل چشم همه جهانيان بر پا سازد.

آسيب هاي تمدن نوين اسلامي

با عنايت به وضعيت فعلي ملت هاي مسلمان و جوامع اسلامي كه در حال طرح ريزي و شكل بخشيدن به اين تمدن نوين هستند مي توان آسيب هاي زير را بر شمرد:

عدم پيروي از رهبري واحد

هرگونه حركت اجتماعي و فرهنگي در حال شكل گيري، براي جلوگيري از تشتت و چندگانگي در مسير حركت، نيازمند آن است كه از مبدا واحدي هدايت و راهبري گردد.

در اينجا نبايد اين موضوع با تك محوري اشتباه گرفته شود. تمركز و يگانه بودن اتاق فرمان چنين حركت هايي لازمه به نتيجه رسيدن آن است. بدين معنا كه ضروري است تفكرات و پيشنهادات مختلف و متنوعي كه ممكن است از طريق متفكران و انديشمندان و گروه هاي نخبه جامعه ارائه گردد در مركز

واحدي تجميع و مورد نقد و بررسي قرار گرفته و نتيجه نهايي براي اجرا تعيين گردد تا بتواند مورد قبول اكثريت جامعه قرار گيرد. در تفكر اسلامي – و به طور خاص شيعي- محوريت اين تصميم گيري ولايت فقيه است. (مهندسي تمدن اسلامي، عبدالعلي رضايي، ص62)

بر مبناي اين مقدمات، يكي از آسيب هايي كه به شدت تمدن نوين اسلامي را تهديد مي كند عدم پيروي از رهبري واحد و نداشتن اتاق فكر و تصميم گيري است. در تاريخ موارد متعددي از تمدن ها و حركت هاي تمدني فكري و فرهنگي به چشم مي خورد كه در اثر تشتت آرا و عدم تصميم گيري واحد، نتوانسته اند دوام چنداني داشته باشند.

آنچه مسلم است اين است كه وظيفه گروه هاي مرجع در اين حوزه بسيار خطير است و بر آنان است كه با توجه كامل بر اين مساله زمينه ساز ايجاد و گسترش تمدن نوين اسلامي گردند.

كم تحمل بودن در رسيدن به نتيجه مطلوب

حركت هاي فرهنگي و تمدني، به واسطه ماهيتي كه دارند فرايندي زمان بر داشته و نيازمند صبر، استقامت، پشتكار و توانمندي هاي بالقوه و بالفعل فراواني هستند. از جمله آسيب هاي جدي كه اين حركت را به شدت با مخاطره روبرو مي كند كم تحمل بودن در رسيدن به هدف آرماني و نتيجه مطلوب است.

انحراف از مسير و ماهيت سياسي و غير ديني برخي از جنبش ها

رويه حركت هاي بيدارگرانه و ضد استعماري و با ماهيت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزايش و گسترش است. با توجه به سرعتي كه اين گونه فعاليت ها دارند تشخيص و دقت نظر در بطن حركت ها و توجه به ماهيت آنها بسيار ضروري است. سياست زدگي و افسون قدرت باعث سو استفاده از اينگونه جريان هاي مردمي و خيزش ها به سوي تشكيل تمدني نوين مي گردد. (همان، ص163) در بعضي از موارد پس از موفقيت اوليه حركت، ماهيت واقعي آن به تدريج تغيير يافته و مبتني بر منافع مادي و سياسي كه مي تواند ملي گرايانه محض و غير ديني باشد، نمود پيدا مي كند و ماهيت دروني اسلامي آن مورد غفلت واقع مي شود.

موانع تمدن نوين اسلامي

بر سر راه تمدن نوين اسلامي، در كنار آسيب ها و چالش هايي كه وجود دارد موانعي نيز باعث كندي حركت و جلوگيري از انجام برنامه ها و تمدن سازي مي گردد. نمونه هايي از اين موانع را مي توان اين گونه نام برد:

مشكلات اقتصادي جوامع مسلمان

وضعيت اقتصادي و معيشتي جامعه همواره دغدغه اصلي متوليان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتي كه اين مولفه با مشكل روبرو شود تاثير فرواني بر ساير جنبه هاي مادي و معنوي جامعه خواهد گذاشت. احاديث فراواني درباره فقر در كتب حديثي موجود است و توجه به باب هاي مربوط به امر تجارت و مسائل مالي در احكام فقهي نشانگر اهتمام خاص اسلام بر اين مساله بوده است. فرهنگ سازي و ايجاد تمدن نوين جز بر پايه ساخت هاي اقتصادي كه توان اجراي آنها را داشته باشد امكان پذير نخواهد بود. منظور از اين بحث رفاه كامل مادي جامعه نيست، بلكه ايجاد ثبات اقتصادي و جلوگيري از برهم ريختگي در اين حوزه كمك زيادي بر پيشبرد اهداف فرهنگي خواهد نمود. (مهندسي تمدن اسلامي، عبدالعلي رضايي، ص93)

البته يكي از ضروريات حل مسائل اقتصادي نيز ارائه راهكارهاي فرهنگي و بالابردن وضعيت فكري جامعه و دادن قوه درک و فهم دقيق مسائل بر مردمان است تا مسئولان امر را در رسيدن به اهداف مطلوب خويش ياري نمايند.

عدم توجه به عقلانيت ديني

يكي از موانع اصلي پيشرفت در جامعه اسلامي دگم انديشي ديني و مذهبي و عدم توجه به عقلانيت ديني است. اشاعره و اخباريان نمود اوليه و اصلي اين نوع تفكر بوده اند. پويايي دستورات و احكام ديني كه به اصطلاح فقه پويا ناميده شده است يكي از جنبه هاي مهم اسلام است كه در ميان برخي از جوامع

مورد غفلت واقع شده و يا در برخي موارد ديگر با افراط مواجه گرديده و آسيب هاي جدي وارد نموده است.

عمده مشكلات و فاصله هايي كه ميان احكام و دستورات ديني و رفتار و فرهنگ مردم در جوامع مختلف بروز نموده است ريشه در نبود عقلانيت ديني داشته و عدم تفكر و تعقل رهبران ديني در احكام و بازنگري همراه با تفسير و توضيح درست آن مي باشد. از سوي ديگر عقلانيت صرف بدون داشتن سبقه و رنگ ديني و عدم مراجعه به ضروريات دين، باعث كج روي هاي زيادي شده است. هر دو لبه اين بحث كه همانا تكيه بر عقل بدون توجه به تعاليم ديني و بر خلاف آن دگر انديشي و عدم اعتنا به تفكر و استنتاج عقلي در فرايند احكام فقهي مانع حركت درست تمدن نوين اسلامي خواهند شد.

(درآمدي برسرمايۀاجتماعي برپايه عقلانيت ديني، فاطمه براتلو و محمد صنايع، ص211)

انحراف و كج فهمي در گروه هاي مرجع

گروه هاي مرجع در جوامع از اهميت فراواني در عرصه فرهنگ سازي و ايجاد مدنيت نوين برخوردار مي باشند. هرچه اين گروه ها بهتر و بيشتر در مسير صحيح و اسلامي حركت كنندتمدن سازي نوين اسلامي بادقت و سرعت بالاتري صورت خواهد گرفت. به يقين يكي از راهها و راهبردهاي اساسي مبارزه با تهديد هاي فرهنگي و مقابله با هجمه تمدني و فرهنگي دنياي غرب، تأكيد بر روي هويت و اصالتها و ارزشهاي ديني جوامع اسلامي و بالتبع تجديد اعتلاي تمدن اسلامي مي‌باشد، علي الخصوص براي نسل هاي جوان و نيز نخبگان و تحصيل كردگان جامعه كه به عنوان گروه هاي مرجع شناخته شده اند. انحراف و غرب زدگي در ميان اين طبقه از جامعه منجر به ايجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان هاي تمدن نوين اسلامي خواهد شد. (جامعه شناسي غرب گرايي، علي محمد نقوي، ص135)

عوامل ايجاد تفرقه بين مسلمانان

در مقابل وحدت ، تفرقه نيز وجود دارد و اين طبيعي است كه هميشه در مقابل يک عامل موجود ، عامل

مخالفي هم باشد . اما بايد براي مبارزه با آن چاره اي انديشيد . به طور كلي دو عامل عمده در مقابل وحدت وجود دارد ، يک عامل عامل دروني ماست : تعصب هاي ما ، پايبندي هاي ما به عقايد خودمان ، هر گروهي براي خودش بايد بر اين فاتق آمد . ايمان و پافشاري بر عقائد بسيار خوب است اما اين نبايد به دشمني تبديل بشود . برادراني كه در مجموعه امت اسلامي هستند احترام يكديگر را حفظ كنند و همچنين عقايدشان اما احترام به ديگران و حدود ديگران و حقوق ديگران و حرمت و افكار و عقايد آنها را نگه دارند و بحث و مجادله را براي مجالس علمي بگذارند . علما و اهل فن مي خواهند بنشينند مباحث مذهبي كنند بكنند اما مباحث مذهبي عالمانه و محفل علمي با بدگويي به يكديگر در علن در سطح افكار عمومي در مخاطبه ِ با افكاري كه قدرت تجزيه و تحليل علمي ندارند فرق مي كند اين را بايستي علما مهار كنند ، مسئولان بايد مهار كنند . همه گروه هاي مسلمان در اين مورد وظيفه دارند . شيعه و سني هم وظيفه دارد و بايد به سمت اتحاد بروند و اين عامل يک عامل دروني است . عامل دومي كه در برابر وحدت است عامل بيروني تفرقه است . به قول حضرت آيت ا خامنه اي پول بسيار زيادي خرج مي كنند براي اسلام ستيزي . نمونه آن ايجاد تفرقه به وسيله ي شبكه هاي ماهواره و ساختن شبكه ها و فيلم هاي ضد خانوادگي است ، كه اين فيلم ها ابتدا در خانواده باعث تفرقه مي شود يعني زن و شوهر را نسبت به يكديگر بدبين مي كنند و باعث طلاق و آشوب مي شود و مطمئنا كسي كه نتواند در خانواده از تفرقه جلوگيري كند نميتواند در اجتماع و در بين مسلمين نيز دوام بياورد و ضعف او بهانه اي بهتر از قبل براي تفرقه انگيزان است . اگر هم طلاق نگيرند بدتر از آن را ميگيرند يعني طلاق عاطفي ، يعني زندگي كشنده ، زندگي كه در آن زن و شوهر مدام با هم قهرند و سايه همديگر را با تير ميزنند . آرام آرام نابود سازي كنند و طوري كه ديگر نتوان به قبل برگشت . بايد مواظب اين مسائل بود . اين يک نمونه به عنوان مثال بود كه خرج مي كنند براي نابود سازي مسلمين . موارد بسيار زيادي است كه مي توان نام برد اماهدف اين مقاله چيز ديگريست . مورد بعدي از عوامل بيروني تفرقه را ميتوان جداسازي عرب از عجم نام برد . غربي ها با نقشه ريزي هاي كثيف باعث جدا شدن مسلمين غير عربي از عربي مي شوند و به عنوان مثال در جنگ ۲۲ روزه غزه كه شكست خوردند و نتوانستند بحث شيعه و سني را مطرح كنند ، آمدند و مسئله قوميت را مطرح كردند . مسئله عربيت و غير عربيت . اختلاف بين اينكه مسئله فلسطين مختص عرب هاست و غير عرب ها حق ندارند در اين جريان دخالت كنند . اصلا اينگونه نيست . مسئله فلسطين مسئله اسلامي است و عرب و عجم ندارد . در مسائل دنياي اسلام اگر پاي قوميت به ميان آمد بزرگترين عامل تفرقه به وجود آمده است . وقتي پاي قوميت را در مسائل دنياي اسلام به وجود مي آورند ، عرب را از عجم جدا مي كنند ، ترک را جدا مي كنند ، كرد را جدا مي كنند ، اندونزيايي ها را جدا مي كند ، مالزياي ها را جدا مي كنند و پاكستاني و هندي و غيره پس چه مي ماند ؟ اين چوب حراج زدن به امت اسلامي است . از اين تله هاي استكبار بايد با دقت گذشت وگرنه شيريني پيروزي امت اسلام را به زهر ماري كشنده تبديل مي كنند . بهتر است ديدگاه هاي قرآن و افراد و شخصيت هاي مختلف

مورد بررسي قرار داده شود قرآن كريم تعابير زيبايي در آخرت براي وحدت سازان و تفرقه انگيزان دارد . هنگامي كه چهره بهشتيان را ترسيم مي كند از آنها به عنوان إِخْوَانًا عَلَي سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ (۴۶)ياد مي كند در حالي كه همه برادرند و بر تخت ها روبروي يكديگر قرار دارند و هنگامي كه از دوزخيان را به تصوير مي كشد از آنان اينگونه ياد مي كند كه إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ(۴۷)اين يک واقعيت است گفتگوهاي خصمانه دوزخيان . زيرا معمولا تفرقه انگيزان خصمانه گفتگو مي كنند .قرآن كريم از سويي، سفارش به وحدت و اتحاد، و انسجام و همگرايي مي كند و از سويي ديگر، تفرقه و اختلاف را مورد نكوهش قرار مي دهد و مي فرمايد: «[فرمان] خدا و پيامبرش را اطاعت كنيد و با يكديگر نزاع و كشمكش نكنيد كه سست مي شويد و قدرت [و شوكت] شما از بين مي رود و صبر و استقامت كنيد كه خداوند با استقامت كنندگان است.»

كلام مقام معظم رهبري نيز در راستاي همين آيه است كه مي فرمايد: «قوّت ما هنگامي بروز مي كند كه ملّتي يكپارچه باشيم. اگر بين ما اختلاف و دو دستگي شد، بگو مگو رخ داد، جريانهاي مختلف آمد و قدرت طلبي شد، قدرتمان را از دست خواهيم داد؛ «وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» و اختلاف، اصلاحيات و آبرو و اقتدار را از هر ملتي مي گيرد. اگر شما وحدت كلمه را حفظ كنيد، اين قدرت مي ماند»

مقام معظم رهبري در جايي ديگر مي فرمايند : هر حنجره‌اي و زباني كه ملتهاي مسلمان را، مذاهب اسلامي را، طوايف گوناگون اسلامي را به دشمني با يكديگر تحريک كند و عصبيتها را عليه يكديگر تحريک كند، ناطق من الشيطان است. آنهائي كه از زبان ابليس حرف ميزنند، خودشان و مستمعين خودشان را به طرف جهنم ميبرند؛ خودشان را هم دچار هلاكت ميكنند(۴۹)«ألم تر الي الذّين بدّلوا نعمت اللّه كفرا و احلّوا قومهم دار البوار. جهنّم يصلونها و بئس القرار» (ابراهيم: ۲۸ و ۲۹) «يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النّار»،(هود: ۹۸) كه درباره‌ي فرعون است. كساني كه امروز دنياي اسلام را از اتحاد و يكپارچگي دور ميكنند - در حالي كه احتياج به يكپارچگي، امروز بيشتر از هميشه است - اينها به نفع شياطين كار ميكنند، به نفع ابليس‌ها كار ميكنند. امروز مي‌بينيد دنياي غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان كمپاني‌هاي نفتي و تجاري بزرگ دنيا، اين كارتلها و تراستها، همه دارند پول خرج ميكنند، نقشه‌ريزي ميكنند براي اسلام‌ستيزي. قرآن را آتش ميزنند، نام مبارک پيغمبر را مورد اهانت قرار ميدهند، كاريكاتور درست ميكنند، كتاب مينويسند، در پايتختهاي بزرگ اروپا عليه مسلمانها هيجانات قومي درست ميكنند - مي‌بينيد ديگر؛ اينها چيزهاي روشن و واضحي است - اينها معنايش چيست؟ معنايش اسلام‌ستيزي است. امروز دشمنان غربي، عليه اسلام و مسلمانان، شمشير را از رو بسته‌اند. خب، اينجا تكليف مسلمانها چيست؟ مسلمانها بايد به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانها بايد در درونِ خودشان عوامل اقتدار و توانائي را روزبه‌روز افزايش دهند. يكي از مهمترين عوامل

اقتدار، همين اتحاد و اتفاق است. اين براي ما درس است، براي ملتهاي مسلمان درس است. هدف دشمن از ايجاد تفرقه بين مسلمانان را آيه ۱۰۳ سوره آل‌عمران «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ ...؛ همگي به ريسمان الهي چنگ زنيد و متفرق نشويد بيان مي كند و از نظر حجت‌الاسلام لروند يعني : تفرقه عامل اصلي مشكلات در بين مسلمانان است و دشمن هم از تفرقه بدترين بهره‌برداري به نفع خودش را مي‌كند، لذا مسلمانان بايد مراقب باشند زمام دين خود را از طريق اين اختلافات و تفرقه‌ها به دست دشمن ندهند. ايشان معتقدند جهالت، بي‌بصيرتي، حب دنيا و رياست‌طلبي از عواملي است كه مي‌تواند به اتحاد و وحدت آسيب وارد كند و منجر به تفرقه شود.امام خميني تفرقه -چه تفرقه ميان دولت ها، چه تفرقه ميان ملت ها و دولت ها، چه تفرقه بين مسلمانان و چه بين فرق مختلف اسلامي و چه تفرقه ميان مسلمانان و غير مسلمانان- را يكي از مهم ترين مشكلات جهان اسلام و اساسي ترين آسيب ها در دستيابي به «تمدن اسلامي» مي‌دانند كه به وسيله استعمار گران ساماندهي مي‌شود.با توجه به اين نكات مي توان پي برد تفرقه مايه نابودي و وحدت مايه نجات است .

نتيجه گيري:

تمدن نوين اسلامي كه در سال هاي اخير روند ايجاد و تكوين آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعيت اقتصادي، فكري و فرهنگي جوامع اسلامي و تلاش ها و مقابله هاي صورت گرفته از سوي غرب با آسيب ها، چالش ها و موانعي روبرو گرديده كه از جمله آنها مي توان به عدم پيروي از رهبري واحد، تعجيل در رسيدن به نتيجه مطلوب، انحراف از مسير و ماهيت سياسي و غير ديني برخي از جنبش ها، فرهنگ مهاجم غربي، اختلاف افكني در ميان مسلمانان، طغيان مادي نگري در تفكر جامعه، مشكلات اقتصادي جوامع مسلمان، عدم توجه به عقلانيت ديني و انحراف و كج فهمي در گروه هاي مرجع اشاره نمود.

راهكارهاي مقابله با اين چالش ها و موانع را مي توان چنين بيان كرد:

كم تحمل بودن در رسيدن به نتيجه مطلوب: گروه هاي مرجع در اين زمينه وظيفه دارندبا آگاه ساختن بدنه جامعه و توده مردم از اين موضوع، انتظارات و توقعات آنان را نسبت به اين جريان واقعي ساخته و با تشريح وضعيت موجود و اهداف و آرمان هاي مطلوب جامعه تمدن نوين اسلامي از سرخوردگي و نااميدي مردم جلوگيري كنند. بديهي است در اين راه مي بايست در برابر شبهه افكني ها و تلاش هايي كه مخالفان و گروه هاي رقيب، از آمادگي كافي ذهني و فكري برخوردار باشند.(مهندسي تمدن اسلامي، عبدالعلي رضايي، ص37)

انحراف از مسير و ماهيت سياسي و غير ديني برخي از جنبش ها: دقت در تطابق فعاليت ها و اهداف با مباني اسلامي و نيز شناساندن رهبران و مجريان حركت ها پيش از رسيدن به مراحل نهايي.

فرهنگ مهاجم غربي: متفكران و انديشمندان حوزه تمدن نوين اسلامي مي بايست با ارائه راهكارها وروشنگري در ميان مردم و همچنين تلاش در معرفي اهداف و نتايج پنهان فرهنگ هاي مهاجم غربي و آثار و نتايج مخرب آن تلاش نمايند تا اين چالش جدي تبديل به فرصت هاي مغتنمي براي هدايتگري بيشتر در جامعه گردد. بهره گيري مناسب و به روز از همان ابزارهايي كه در روند تهاجم فرهنگي مورد استفاده غرب قرار مي گيرد از جمله ماهواره و اينترنت در جهت مقابله با آن از راهكارهاي مناسبي است كه مي تواند مورد استفاده قرار گيرد.

اختلاف افكني در ميان مسلمانان: راهكار اصلي در فرهنگ سازي و روشنگري در ميان جوامع مسلمان است. اين وظيفه مي بايست توسط دولتمردان از يک سو و از سوي ديگر توسط اهل فكر و فرهنگ و متفكران و انديشمندان و رهبران ديني انجام پذيرد. (استراتژي وحدت در انديشه سياسي اسلام، سيد احمد موثقي، ص38)

طغيان مادي نگري در تفكر جامعه: بازخواني و يادآوري تعاليم و دستورات دين مبين اسلام در اين حوزه و بيان شيوا و در زباني قابل پذيرش و امروزين از سوي رهبران فكري و فرهنگي جامعه و تلاش براي گسترش روحيه تعاون و همياري در ميان مسلمانان و اجراي درست احكام و قواعد اقتصادي اسلام نظير احكام تجارت، خمس و زكات

مشكلات اقتصادي جوامع مسلمان: فراهم ساختن زمينه هاي مناسب جهت فعاليت صحيح اقتصادي، جلوگيري از سو استفاده هاي مالي در ميان گروه هاي مرجع، مبارزه با مظاهر آشكار فقر و زدودن آن از چهره جامعه

عدم توجه به عقلانيت ديني: ارائه الگوهاي برجسته تفكر صحيح عقلاني بر پايه اصول و مباني ديني پرداخت و نخبگان و انديشمندان اسلامي را به سوي اين مسير روانه نمود.

انحراف و كج فهمي در گروه هاي مرجع: براي مقابله با اين مانع مي بايست اقدام به اعتلا و بالا بردن وضعيت آموزش و پرورش و حوزه تحصيلات تكميلي و اهميت قائل شدن به اين حوزه نمود. با آموزش صحيح مباني فكري و فرهنگي و تامين و تهيه كتب و منابع آموزشي به ويژه در حوزه علوم انساني از انحراف در گروه هاي مرجع و از غرب زدگي آنان جلوگيري نمود و به تبع آن هدايت صحيح مخاطبان گروه هاي مرجع

که عموم مردم جامعه هستند دست يافت. (تمدن نوين اسلامي: مجموعه مقالات پانزدهمين جشنواره بين المللي پژوهشي شيخ طوسي(ره)، ص89)

عقلانيت و مديريت راهبردي ايجاب مي كند كه جهان اسلام به عنوان يک كل واحد يا مجموعه كشورهاي قدرتمند نيز نقش تعيين كننده اي در ترسيم تكوين و تثبيت نظم جهاني ايفا كنند. نظم جهاني كه به تكوين، توسعه و تعالي تمدن نوين اسلامي بيانجامد.با توجه به اينكه جامعه اسلامي هر روز رو به پيشرفت است و اين طبيعي است كه با هر پيشرفتي در هر جامعه اي دشمنان آن ها نيز بيكار نمي نشينند و با ايجاد تفرقه و از بين بردن وحدت در بين مسلمين تمدن اسلامي را كه از نظر خود غربي ها در سه تمدن اوليه موجود در جهان است را از بين مي برند . از اين رو تمامي كساني كه در تمدن اسلامي صاحب نظر هستند نسبت به اين امر مهم بيانات و ديدگا ه هايي دارند و با درس گرفتن از اين ديدگاه ها و استفاده از آيات و روايات مختلف در مورد تمدن اسلامي و نقش وحدت مسلمين در تمدن سازي بايد نقشه هاي كثيف غرب و جامعه غربي و دشمنان اين تمدن و اين مرز و بوم را نقش بر آب كرد و از بين برد . لذا بايد تمامي جوانب اين مهم و نكات آن را از منابع مختلف استخراج كرد و مكر حيله گران را به خودشان برگرداند . وظيفه هر مسلمان شيعه و سني است كه در برابر دشمن وحدت خود را حفظ كند و عوامل تفرقه را از بين ببرد و از اختلاف با ديگر مسلمانان در ديگر كشور ها و با هر فرقه اي و مذهبي پرهيز كند . هدف دشمن از بين بردن يک ميليارد مسلمان در سراسر جهان از طريق خود مسلمانان است كه بايد مواظب اين مكر ها بود و با تمدن سازي نوين اسلامي دست رد بر سينه آنها زد .بلاشک وحدت در برابر دشمن در بين فرق اسلامي از جمله شيعه و سني باعث تمدن سازي شده و مشت محكي بر دهان دشمنان اسلام ، تشيع و تسنن است . اين نظر كليه صاحب نظران اين حوزه از جمله مقام معظم رهبري (دامت بركاته) است

در آخر فرازي از بيانات رهبرانقلاب در ديدار با مسئولين نظام و سفراي كشورهاي اسلامي بيان ميكنيم: «امروز ما مسلمانها احتياج داريم به هوشيار؛ احتياج داريم به اين كه نقشه ي كلي زندگي خود و مواجهه ي دشمنان با خود و با اسلام را بشناسيم. اگر نقشه را شناختيم، راه را درست انتخاب خواهيم كرد. اشكال آنجاست كه گاهي ما مسلمانها خودمان نقشه ي دشمن را درست نمي شناسيم، خود ما جزئي از آن نقشه ي دشمن ميشويم؛ كه امروز متأسفانه دنياي اسلام مبتلاي به اين است. نقشه ي دشمن، اختلاف افكني در بين مسلمانان است؛ نقشه ي دشمن، تحريک عصبيتهاي مذاهب مختلف اسلامي عليه يكديگر است؛ نقشه ي دشمن اين است كه توجه امت اسلامي را از نقطه ي حقيقي خصومت و دشمني - يعني سرمايه داري فاسد و مفسد و صهيونيزم - منحرف كند و به جاهاي ديگري متوجه كند ... نقشه ي دشمن اين است: ملتهاي مسلمان را به يكديگر مشغول كنند، بين اينها اختلاف به راه بيندازند - كمااينكه امروز مي بينيد به

راه انداخته اند - هزاران نفر كشته شوند، خونها بر زمين ريخته شود، ملتهاي مسلمان از مسائل اصلي خود غافل بمانند، از پيشرفت ضروري اي كه بايد به دنبال آن باشند، غفلت كنند، براي اينكه منافع استعمارگران، منافع صاحبان قدرت ظالم و ستمگر تأمين شود؛ همچنان كه يک روز با استعمار، اين كار را كردند ... امروز براي مسلمانها، اتحاد و اتفاق، همدلي و همكاري، جزو فوري ترين و ضروري ترين هاست.»

فهرست منابع:

- امام خميني، صحيفه نور

- امام خميني، ۱۳۶۸ ، صحيفه انقلاب، وصيتنامه سياسي - الهي رهبر كبير انقلاب اسلامي و بنيانگذار جمهوري اسلامي ايران ، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي ، چ ۴

- بيانات آية ا خامنه اي مورخ ۲۶/۶/۱۳۹۰

- بيانات آية ا خامنه اي مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۸

- بيانات آية ا خامنه اي در جمع دانشجويان، دانش آموزان و ساير جوانان خراسان شمالي، مورخ ۲۳/۷/۱۳۹۱

- بيانات آية ا خامنه اي ۹/۱۲/۱۳۷۹

- بيانات مقام معظم رهبري در ديدار شركت كنندگان در مسابقات بين المللي قرآن كريم ۱۸ خرداد ۹۲

- فرهنگ و شبه فرهنگ، محمد علي اسلامي ندوشن، تهران، انتشارات يزدان، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۱۰۷

- با اقتباس از: مقاله «معيني پور، مسعود و لک زايي، رضا، اركان امت واحده و تمدن اسلامي از منظر امام خميني(قدس سرّه) و مقام معظم رهبري»، فصلنامه علمي-پژوهشي مطالعات انقلاب اسلامي، ش ۲۸، ص ۵۴-۵۵

- مقاله: معيني پور، مسعود، لكزايي، رضا، اركان امت واحده و تمدن اسلامي از منظر امام خميني و مقام معظم رهبري، فصلنامه علمي-پژوهشي مطالعات انفلاب اسلامي، سال نهم، بهار ۱۳۹۱، ش۲۸، ص ۷۵ ۵۱

- يوم الخلاص، ص۴۰۴
- الحجر آيه : ۴۷
- انفال ۴۶
- بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۴
- درآمدي برسرماية اجتماعي بر پايه عقلانيت ديني، فاطمه براتلو و محمد صنايع، نامه پژوهش فرهنگي،سال دهم، دورة سوم ، شمارة ششم، تابستان 1388.

- مهندسي تمدن اسلامي (الزامات و موانع)، عبدالعلي رضايي، چاپ اول، قم، انتشارات فجرولايت، 1386.

- مقابله با تهاجم فرهنگي، محمد مدني بجستاني، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1374.

- جامعه شناسي غرب گرايي، علي محمد نقوي، تهران، انتشارات اميركبير، 1363.

- زندگي در برزخ تمدن غربي و تمدن اسلامي، محمد مددپور، كتاب نقد، شماره 5و6، 1376 و 1377.

- تأملي بر مسأله‌ي وحدت اسلامي از ديرباز تا ديروز با تكيه بر جنبش اتحاد اسلام، محمدحسين اردوش، چاپ اول، تهران، مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، معاونت فرهنگي، 1384.

- علي احمدي، طلايه داران تقريب2 (شيخ محمود شلتوت آيت شجاعت)، مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، 1389

- مهدي مسائلي، پيشوايان شيعه پيشگامان وحدت، سپيده باوران، چاپ اوّل، 1390

- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتي، نويد اسلام، چاپ نهم، 1386